

تاریخ تعلیم و تربیت ایران

از قرن هفتم تا قرن دهم

بقلم آقای ذبیح‌الله صفا

۱

۱ - مدارس و مکاتب

مدارس و مکاتب در ایران از قرون قدیمه اسلامی سابقه دارد و مقدسی و برخی دیگر از سیاحان و مورخان از مدارس مهمی در نیشابور و ری^۲ و شهرهای دیگر نام میبرند ولی این مدارس را از نظر تاریخی اهمیت مدارس مهمی که از قرن پنجم بعد از بنای نظامیه بغداد، ایجاد شدند نیست - پس از بنای این مدرسه مهم تاریخی که تمدن اسلامی از قرن پنجم بعد از آن بسیار مدیون است مدارس مهمی بتقلید از آن در بغداد و سایر بلاد اسلامی بنامند و ما اینک در اینجا بذکر این مدرسه و مدارس دیگر از مدارس قرون سه گانه ۷ و ۸ و ۹ که در بغداد و بلاد ایران بوجود آمد و از آن در تواریخ اسمی هست میپردازیم . اما سائق ما در تحقیق مدارس بغداد مخصوصاً در قرن هفتم دواعی ذیل است :

۱ - بغداد از اواسط قرن دوم تا اواخر قرن هفتم هجری همیشه مرکز علوم اسلامی بوده است و ایران و غیر ایران از ممالک اسلامی در امور علمی و ادبی از آن سر مشق میگرفته و با آن رابطه مستقیم علمی و ادبی داشته اند و اگر چه این رابطه از حدود ۶۵۶ بعد و یا اگر بخواهیم بیشتر طرف احتیاط را بگیریم از اواخر قرن هفتم گسیخته میشود ولی بهر حال قسمت اعظم از قرن هفتم را ایران مانند سابق در تحت نفوذ علمی و ادبی بغداد قرار دارد .

۱ - در تحت این عنوان که موضوع رساله نهائی نگارنده برای دانش سرای عالی است بدون ذکر مقدمانی در اوضاع سیاسی و اجتماعی و علمی و ادبی که خود بمقالاتی مفصل محتاج است بابعاد جانب اختصار از پنج مبحث ذیل بحث خواهیم کرد : ۱ - مدارس و مکاتب ۲ - روش تعلیم و تربیت در مدارس و مکاتب و خانواده ۳ - خانقاهها و تربیت متصوفه ۴ - جوانمردان و طرز تربیت آنها ۵ - تعلیم مذهبی و مجالس و عطف . ۲ - احسن التفاضیل ص ۳۹۰ و ۳۹۰ چاپ لیدن .

۲ - مدارس ایران و سایر ممالک اسلامی را بلاشک از روی تشکیلات مدارس بغداد و خصوصاً مدارس نظامیه و مستنصریه اداره میکردند و بنا بر این تشکیلاتی را که در مدارس این شهر عظیم سیاسی و علمی و ادبی بیابیم کم و بیش در مدارس سایر بلاد اسلامی هم میتوانیم یافت و بالتسبیح تحقیق در کیفیت تشکیلات این مدارس تحقیق در تشکیلات سایر مدارس است. اولین مدرسه مهم بغداد مدرسه نظامیه است که بنای آن بامر وزیر معروف مدارس بغداد ایرانی نظام الملک در ۴۵۷ شروع شد و در ۴۵۹ خاتمه یافت. در قرن هفتم کیفیت ایجاد نظامیه و بحث در موقوفات و مدرسین مهم اولیه آن از جهت اینکه تمامی آنها با اوایل نیمه دوم قرن پنجم مربوط است، از موضوع بحث ما خارج میباشد و بنا بر این از ذکر آن میگذریم و خوانندگان را بمقاله فاضلانهای که آقای سعید نفیسی در سال دوم مجله مهر نگاشته اند رجوع میدهیم اما چون تحقیق در احوال این مدرسه از اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم بعد بر ما لازم است ناچار بنقل برخی از اقوال سیاحان و مورخان زمان در این جای میپردازیم:

ابن جبیر اندلسی که در ضمن سفر خود در ۵۸۰ بغداد رسیده بود در مدرسه نظامیه در مجلس وعظ امام رضی الدین قزوینی رئیس شافعیه و فقیه مدرسه مذکور حاضر شده و در باب وعظ او و چگونگی موعظه در این مدرسه سخن رانده است^۱ و ما این سخنان او را در مبحث «تعالیم مذهبی و مجالس وعظ» نقل خواهیم کرد. و هم این سیاح در جای دیگر از رحله خود در باب مدارس بغداد چنین میگوید: «بغداد را نزدیک ۳۰ مدرسه است که جملمگی در جانب شرقی واقعند و بزرگترین و مشهورترین آنها نظامیه است و این همانست که نظام الملک آنرا بنا کرده و در سال ۵۰۴ تعمیر شده است و این مدارس را اوقاف عظیم و اموال محبوبی است که بفقهایی که در آنها تدریس میکنند راتبه داده میشود و از همین اوقاف طلابی را که در آن ساکنند ماهانه میدهند»^۲ - الناصر لدین الله خلیفه عباسی بر این مدرسه موقوفات جدید و کتابخانه ای افزود و در سال ۶۷۰ عطا ملک جوینی صاحب دیوان از محل موقوفات مدرسه بازار آن را که سوخته بود از نو ساخت^۳.

۱ - رحله ابن جبیر چاپ مصر ۱۹۷ - ۱۹۸. ۲ - ایضا ۲۰۷ - ۲۰۸.

۳ - ابن فوطی، حوادث الجامعه، چاپ بغداد ص ۳۷۱.

ابن بطوطه سیاح معروف قرن هشتم در ۷۲۷ ابن مدرسه را دید و از آن باعجاب نام برد و از سخنان او معلوم میشود که این مدرسه در اقصی بلاد اسلامی نیز شهرتی عظیم و نامی بلند داشت^۱ و هنوز با آنکه مدرسه مهم دیگری با آن بر قابت برخاست همچنان بآبادی خود برقرار بود. مدرسه نظامیه بغداد تا دیرگاه وجود داشت و در حوادث سال ۶۸۷ ابن فوطی از تعیین مدرس برای آن نام میبرد.^۲ اما رونق و اعتبار آن پس از ایجاد مدرسه مستنصریه از میافت رفت زیرا مدرسه نظامیه فقط خاص مذهب شافعی بود در صورتیکه در مدرسه مستنصریه چنانکه بعد خواهیم دید پیر و ان مذاهب حنفی و شافعی و حنبلی و مالکی هر چهار حق تحصیل داشتند و از این روی رونق و اعتبار آن بیشتر شده و توانست بزودی نظامیه مشهور را از شهرت و اعتبار بپندازد و کار آنرا اندک اندک بوبرانی بکشاند.

تاریخ بنای مدرسه مستنصریه در سال ۶۲۵ و تاریخ ختم آن ۶۳۱ است و چنانکه ابن فوطی در حوادث سال ۶۳۱ مینویسد ۱۵۰ حمال کتاب های کتابخانه آنرا در ۱۵ جمادی الاخره این سال بآنجا حمل کردند و ضیاء الدین احمد خازن کتابخانه خلیفه و پدرش شیخ عبدالعزیز آنرا از روی فن کتابداری مرتب کردند چنانکه دست یافتن بر کتابها آسان شد.

در روز پنجشنبه ۵ ماه رجب همین سال خلیفه با نایب الوزاره خود نصیر-الدین و بزرگان درباری و فقها و مشایخ رباطها و صوفیه و وعاظ و قراء و شعراء و جماعتی از اعیان تجار بمدرسه حاضر شد و ۶۲ نفر از پیروان هر مذهب برای تحصیل انتخاب کرد و بر هر دسته مدرس برگماشت. در این روز دو مدرس یکی برای شافعیه و دیگری برای حنفیه و دو نائب تدریس یکی برای مالکیه و دیگری برای حنابله انتخاب کرد و با آنان جبه سیاه و «طرحه» نیلگون بخلعت داد. و سپس بجمع معیدان که از هر مذهبی چهار تن بودند خلعتی متناسب که حکایت از حال آنان کند داد و متولیان بنای مدرسه و استادانی را که در بنای آن کار کردند و خازنین خزانه الکتب و غیر ایشان را نیز بخلعت نواخت و آنگاه از حاضران در صحن مدرسه بخوان طعام پذیرائی شد و سپس شعرا بانشاد اشعاری در توصیف مدرسه و مدح خلیفه شروع کردند و بعد دو مدرس بر کرسی تدریس

نشستند و دو نائب تدریس نیز در فرود کرسی قرار گرفتند و تدریس کردند. خلیفه مدرسه را بچهار قسمت کرده و ربع جلوئی دست راست را بشافیه و ربع جلوئی دست چپ را بحنفیه و ربع عقبی دست راست را بحنابله و ربع عقبی دست چپ را بمالکیه داد و غرفها و خانه های ایشان را نیز معین ساخت و برای ایشان شهریه و راتبه فراوان معلوم کرد. خلیفه المستنصر بالله شرائطی برای این مدرسه قائل شد که این فوطی از آن میان شرائط ذیل را ذکر کرده است:

از هر طایفه ۶۲ نفر با راتبه دائمی و گوشت و خوردنی مرتب و مدام و غیر از اینها مانند حلوا و پیودها و صابون و بزروفرش در این مدرسه بتحصیل فقه پردازند. در دارالحدیث محدثی بزرگوار با دوقاری و دونفر که بعلم حدیث نبوی اشتغال ورزند، کار کنند و در روزهای شنبه و پنجشنبه از هر هفته حدیث گفته شود و ایشان را نیز شهریه و راتبه ای مساوی با فقها معین باشد. در خانه ای متصل بمدرسه ۳۰ کودک یتیم باشند که قرآن مجید را از قاری فراگیرند و معیدی که با اوست کودکان را بحفظ قرآن کمک کند و ایشان را نیز مانند سابقین راتبه و شهریه باشد. در این مدرسه طبیبی حافظ و مسلمان بتعلیم ده تن از مسلمین مشغول باشد و از کارکنان و محصلین مدرسه هر که بیمار شود معالجه اش کنند و ادویه و اشربه وی نیز از محل اوقاف داده شود. عده ای در این مدرسه بتحصیل علم فرائض و حساب و غیر اینها اشتغال ورزند. مدرسه مستنصریه را خزانه ای برای اموال و ارزاق بود و در آن چیزهائی از قبیل شکر و شمع و منسوجات و امثال اینها حفظ میشد و دربان و فراهشها بر آن می گذاشتند. عطا ملک جوینی در ۶۶۸ بعضی تعمیرات در مدرسه مستنصریه کرد^۲ و پس از وی شرف الدین هارون برادرزاده او نیز ترتیب مدرسه را بنا بر مرسوم (که خلیفه یا حاکم بغداد باید متصدی باشد) بر عهده گرفت و مدرسین آنرا معلوم کرد^۳.

علاوه بر این دو مدرسه مهم مدارس دیگری نیز در بغداد وجود داشت که ما اکنون بذکر بعضی از آنها میپردازیم:

۱ - مدرسه شرایبه که اقبال شرابی (متوفی در ۶۵۳) در ۶۲۸ در بازار عجم

۱ - حوادث الجامعه حوات ۶۴۴ ص ۲۱۳ و حرات ۶۴۵ ص ۲۲۳. ۲ - ایضا

۳ - ایضا ص ۴۲۹ حوات ۶۸۲

و در مقابل «باب الملاحین» که با «درب مستشفی المجیدیه» امروزی بغداد مطابق است بنا کرد و این مدرسه بمذاهب مختلف وقف و مدرسین و معیدین آن را ماهانه ای معین بود و در موقع افتتاح آن از بزرگان شهر دعوت شد و پس از پذیرائی آنها واعظ بوعظ و خطابت و بعد از و مدرس بدرس نشست و چهار درس ذکر کرد^۱. این اقبال شرابی در واسط نیز مدرسه ای بنا کرد که زکریای قزوینی دانشمند مشهور ایرانی در آن تدریس مینمود^۲.

۲ - مدرسه مجاهدیه که مجاهدالدین ایبک دوات دار صغیر از امرای اواخر دولت عباسی در ۶۳۷ بنا کرد، خاص حنابله، ولی بی هیچ موقوفه^۳.

۳ - مدرسه بشریه که سراج الدین محمد بن ابی فراس شافعی قبل از تقلد شغل قضاوت مدرس آن بود^۴ و بنا بر این شاید که این مدرسه خاص شافعیه بوده باشد.

۴ - مدرسه عصمتیه که بانوی آن زوجه علاء الدین صاحب دیوان بود در ۶۷۱ در بیرون بغداد برای طوایف حنبلی و شافعی و مالکی و حنفی ساخت و برای مدرسین آن وظیفه ای معین شد^۵.

علاوه بر این مدارس از مدارس دیگری هم مانند مدرسه الاصحاب^۶ و مدرسه التمشیه^۷ و مدرسه سعاده^۸ و مدرسه ای که الملك امام یحیی البکری قزوینی صاحب دیوان بغداد متوفی در سال ۷۰۰ هجری آنرا در نزدیک «باب فراشا» بنا کرد^۹.

اما مدارسی که در قرنهای ۷ و ۸ و ۹ در ایران میتوان یافت بسیار است ولی قبلا باید متذکر بود که شهرهای مهم علمی و ادبی ایران اغلب در حمله

وحشیان ماوراء السیحون خراب شده و کتابخانهها و مجالس درس از میان رفت و این معنی را از بسیاری از کتب این عصر بخوبی میتوان دریافت از آنجمله در مقدمه جهانگشا که مؤلف آن مینویسد:

« بسبب تغییر روزگار ... مدارس درس مندرس و معالم علم منطمس و طبقه طلبه آن در در دست لگدکوب حوادث پایمال زمانه غدار و روزگار مکار شدند ... »

هنر اکنون همه در خاک طلب باید کرد زانکه اندر دل خاکند همه پرهتران^{۱۰}

ولی باتمام این احوال در ایران دوره مغولان و تیموریان مدارس زیاد با

۱- حوادث ۶۲۸ تا ۶۵۳. ۲- حوادث الجماعه ان فوطی حوادث ۶۵۳. ۳- ۵۹۶۳- ابضا حوادث ۶۳۷ و ۶۶۷
۴- ۶۷۱ و ۶۷۶- ابضا حوادث ۶۷۴ ص ۳۸۵ و ۳۹۰ تا ۳۸۲ و ۳۹۰. ۵- ۱۰- جهانگشای جوینی ج ۱

تشکیلاتی کم و بیش مرتب و خوب میتوان یافت که برخی از آنها را خود امرا و بزرگان مغولی و تیموری ایجاد کردند و عده‌ای از آنها یا از آثار قبل از مغول است و یا بزرگان ایرانی بینی آنها توفیق یافتند. ابن بطوطه سیاح معروف که در اواخر سلطنت ابوسعید و اوایل دوره هرج و مرج بعد از مغول و استقلال امرای جزء در ایران بلاد این سرزمین را سیاحت کرده است از مدارس متعددی اسم میبرد و از آنجمله است: مدرسه‌ای که در شوشتر دید منسوب بشرف الدین موسی بن صدرالدین سلیمان که ابن بطوطه پس از رسیدنش بشوشتر بدان وارد شد و از بعضی طلاب آن نیز نام میبرد^۱ - و مدرسه‌ای که همین سیاح در ایذج مرکز حکومت اتابکان دید که در آن مسجدی و در خارج آن حمامی وجود داشت و اطراف آنرا باغها احاطه میکرد^۲ - و مدرسی که همین سیاح در شیراز^۳ و مدرسه زیبا و مهمی که در نیشابور دیده و آنرا از مدارس خراسان و عراقین و دمشق به مراتب بهتر دانسته است و در آن عده‌ای از طلاب بقرائت قرآن و تحصیل فقه مشغول بودند^۴ و دو مدرسه که در خوارزم دید^۵ - و نیز از مدرسه‌ای در پهلوی مشهد امام نامن اسم میبرد^۶.

اما مدرسی که یقیناً در دوره مغولان ایجاد شده بسیار است و ما اینک بذکر عده‌ای از آنها میپردازیم:

سیور قوقتینی (متوفی ۶۴۰) مادر مونکافآن «یک هزار بالش نقره بداد تادربخارا مدرسه سازند و شیخ الاسلام سیف الدین باخزری قدس الله روحه العزیز مدبر و متولی آن کارخیر باشد و فرمود تادیهها خریدند و بر آن وقف کردند و مدرسان و طالب علمانرا بنشانند...»^۷

غازان خان (۶۹۴-۷۰۲) در شام تبریز که بعدها موسوم به شام غازان یا شنب غازان شد مقبره عظیم و کم نظیری برای خود ساخت و املاکی در ایران و عراق بر آن وقف کرد و تولیت آنرا بر رشیدالدین فضل الله و سعدالدین ساوجی داد و برگرداین قبه ایشیه وسیعی دارای قسمتهای مختلف ساخت که از آنجمله است: دارالکتب باخازن و فراش

۱ - رحمة ابن بطوطه ص ۱۲۱۱۲ ج ۱ - ۲ - ابضا ۱۲۳ ج ۱ - ۳ - ابضا ص ۲۵۱

۴ - ابضا ۲۵۲ ج ۱ - ۵ - ابضا ۲۳۲۳ ج ۱ - ۶ - ابضا ۱ ص ۲۵۱

۷ - جامع التواریخ چاپ طهران ج ۲ ص ۱۷۲

و خانقاه و بیت القانون و رصدخانه که در آن مدرسی درس علوم حکمی میگفت و معید و طلبه و فراش و خادم داشت و مدرسه‌های برای شافعیه و مدرسه‌های دیگر برای حنفیه که در آن مدرسین و معیدین و طلاب بتدریس و تحصیل مشغول بودند و خادمان خدمت آنان میکردند. در وقتنامه این مؤسسات شرط بود که برای مرمت آلات رصدخانه و خرج احیاء نسخ بیت القانون از محل اوقاف آنچه لازمست داده شود و هر جماعت از سادات و علما و حکما و که افضل و اکمل عصر باشند در بقیع مذکور صاحب منصب و موظف گردند و همواره متوطن بوده بی ضرورت شرعی غیبت نکنند.^۱ ابن بطوطه از این مدرسه و زاویه آن اسم میبرد.^۲

پس از غازان خان جانشین او سلطان محمد خدا بنده (۷۰۳-۷۱۶) نیز از او پیروی کرد و برگرد مقبره بزرگی که برای خود در شهر سلطانیه ساخت ابنیه مختلف و از آن جمله مساجد و خانقاه و مدارس و دارالسیاده‌ای بنا کرد و املاک زیادی بر آنها وقف نمود که حاصل آن در عهد دولت وی صد تومان مغولی (یکمیلیون تومان حالیه) میرسیدونیابت تولیتش را بخواجه رشیدالدین فضل الله وزیر داد. در این مؤسسات ده مدرس و بیست معید و صد محصل و بیست صوفی و دوازده حافظ قرآن و هشت مؤذن و چهار معلم (آموزگار کودکان) کار میکردند و ماهانه هر مدرس را هزار و پانصد دینار و هر معید را هفتصد و پنجاه دینار و هر محصل و صوفی و حافظ و مؤذن و معلم را صد و بیست دینار میدادند.^۳

سلطان محمد علاوه بر این مدرسه که گفته ایم مدرسه سیاری به همراه خود در اردو داشت که وصف از آن بنام «مدرسه سیار سلطانی» یاد میکند و در آن علمای بزرگ بتدریس مشغول میشدند و طلاب فراوان در خدمت آن علما بتحصیل همت می گماشتند و بر این علما و طلاب مشاخره و راتبه مقرر بود و نیز برای حرکت آنان در اردو بارگی و سواری از طرف اولجا نیوداده میشد و هر جا که اردو متوقف میگشت این مدرسه سیار نیز توقف می کرد و بکارهای خود شروع مینمود. علاوه بر این جمله که گفتیم صندوقهای فراوانی از کتب نیز در همراه این مدرسه سیار حمل میشد تا هرگاه مدرسین و محصلین را بکتاب احتیاج افتد بدانها رجوع کنند.^۴

۱ - حبیب السیر جزء ۳ ص ۱۰۷ . ۲ - رحلة ابن بطوطه ص ۱۴۷ جزء اول

۳ - تالیفات الفنون شمس الدین آملی ص ۲۹۵-۲۹۶ . ۴ - تاریخ و صاف چاپ بهشتی ص ۴۳۰-۴۴۰

علاوه بر سلطان خواجه رشیدالدین فضل‌الله در محله بزرگی که در سلطانیه ایجاد کرد مدرسه و خانقاه و دارالسیادهای ساخت و نیز چنانکه از گفتار ابن بطوطه برمیآید علی‌شاه وزیر دیگر اولجایتیو وابوسعید را در تبریز مسجدی بود که در آن مدرسه ای و زاویه ای وجود داشت^۱.

از امرای این زمان که در تربیت فضلا و آبادی مدارس میکوشیدند یکی اثابک ابوبکر بن سعد (۶۲۳ - ۶۵۸) از سلاطین بزرگ سلغریست و شمس قیس رازی مؤلف المعجم از کارهای خیری که باو نسبت میدهد یکی عمارت مدارس و مساجد و معابد و خانقاه ها است.

اوحدی در ضمن مدح غیاث الدین محمد بن رشیدالدین فضل‌الله آنجا که از عمارات محله سرخاب اسم میبرد در صفت مدرسه و خانقاه آن نیز ابیاتی دارد^۲.

شاهرخ پسر امیر تیمور نیز در اطراف و اکناف ممالک خود مدارس و بقاع و خانقاهها ایجاد کرد و قراء و قصبات و املاک دیگر بر آنها وقف نمود و از امرای او امیر جلال الدین فیروز شاه بن ارغونشاه نیز در این کار از او پیروی کرد و در هرات و سایر بلاد بقاع و مدارس و خانقاههایی ساخت و موقوفاتی برای آنها تعیین نمود و در سال ۸۲۴ میرزا النغ بیگ در سمرقند مدرسه و خانقاههای عالی ساخت و بسیاری از مزارع و قراء و املاک شهری بر آنها وقف کرد. زوجه سلطان حسین بایقرا اینکه سلطان بیگم نیز در هرات مدرسه ای بنام مدرسه « بدیعیه » شاید بمناسبت اسم پسرش بدیع الزمان میرزا ایجاد کرد^۳.

و سلطان حسین بایقرا نیز خود در هرات مدرسه ای بنا کرد که در هنگام افتتاحش تشریفاتی نظیر تشریفات سابق بکار رفت^۴ مدرسه نظامیه ای که نظام الملک در هرات ایجاد کرده بود در این عصر هنوز وجود داشت و جامی فاضل و عارف و شاعر بزرگ این عصر تحصیلات اولیه ادبی خود را در خدمت جنید مدرس دروس عربی و معانی بیان این مدرسه کرد، و اصولا در دوره تیموری هرات و سمرقند از حیث داشتن مدارس متعدد ممتازند.

۱ - رحله ابن بطوطه ج ۱ ص ۱۴۷ - ۲ - ج ۲ جم ۳ - حبیب العیر جزء سیم از ج ۳

۴ - رجوع شود به مقدمه بهلستان جامی.